

گزارش یک نهراچیدری

اینجا شیرخوارگاه آمنه است؛ مرکز بزرگی برای نگهداری از کودکان سه تا هفت ساله؛ کودکانی که اغلبشان رها شده‌اند و بر سر نخواستن‌شان دعوا بوده است؛ کودکانی که تلخ‌ترین ضربه دنیا را از نزدیک‌ترین آدم‌های زندگی‌شان دریافت کرده‌اند؛ این بچه‌ها از سوسی خانواده و پسر و مادر «طرد» شده‌اند، رنگ‌ها و عروسک‌ها هم در برابر غم غریب این کودکان رها شده‌نگ باخته‌اند. شاید به همین خاطر، خنده‌های کودکانه‌شان با غمی عمیق در پس چشم‌های پر صدافتشان، همراه است. دستشان را که در دست می‌گیری، انگار دلشان نمی‌خواهد دستت را رها کنند؛ انگار وحشت «رها شدن» و درد «طرد شدن» با وجودشان عجیب شده، انگار بیشتر از بقیه بچه‌هایی که دیده‌ایم و می‌شناسیم به دنبال یک آغوش گرمند، به همین خاطر هم وقتی وارد اتاقشان می‌شویم و دسته‌جمعی با صدای بلند سلام می‌کنند و خوشامد می‌گویند، به دنبال محبتند و سخت محتاج یک آغوش امن. زمان هم به حرمت معصومیت این‌ بچه‌ها از حرکت می‌ایستد. از راه‌ها عبور می‌کنیم و وارد بخش صورتی می‌شویم. گویا این بخش تازه بازسازی شده‌است. به اتاق پسران می‌رویم، پنج پسر بچه مشغول بازیگوشی‌اند و با دیدن ما بلند سلام می‌کنند و خوشامد می‌گویند. پسر بچه سه، چهار ساله با عینک فریم‌های سیاه، دست‌هایش را از بازو می‌گشاید و خودش را در آغوش یکی از خبرنگاران رها می‌کند تا شاید از این آغوش، جرعه‌ای محبت بر گوهر تشنه جانش بچشد.

در اتاق دخترها اما دختری که از بقیه کوچک‌تر به نظر می‌رسد، با اینکه نگاهی به ماست، اما سعی دارد خودش را پشت بقیه پنهان کند. اتاق‌ها و محوطه تر خودشان است و بچه‌ها هم از است‌اند. موهای شانه زده و گل‌سره‌ای زیبایی که درستان غریبه مریب‌هایی که حالا جای مادر را گرفته‌اند، به سرهایشان زده‌است. حتی گلدان‌هایی که در راه‌های منتهی به بخش صورتی شیرخوارگاه چیده‌اند هم با عروسک‌هایی تزئین شده‌است. اتاق خواب بچه‌ها با تخت‌هایی با ملحفه‌های سبز و آبی، اتاق موسیقی و چند ارگ کوچک و ساز دهنی، اتاق تلویزیون با فرش‌هایی رنگی و اسباب‌بازی‌هایی که در گوشه و کنار دیده می‌شود و مریب‌هایی که قرار است برای این بچه‌ها که پدر و مادر

گزارش ۲ مهساگربندی

بیش از دو سال از سرقت کابل‌های تلفن مدآباد می‌گذرد، دو سال پیگیری مداوم، نامه‌نگاری‌های رسمی، مراجعات حضوری و وعده‌هایی که منتهی به برقراری یک میک خط تلفن هم نشده است؛ در این مدت دو ساله، نه تنها کابل جایگزین تأمین نشد، بلکه باقیمانده سیم‌های موجود نیز جمع‌آوری و به منطقه‌ای دیگر منتقل شد؛ اقدامی که عملاً آخرین روز نه امید برای بازگشت ارتباط ثابت را بوست. دهیاری رسماً اعلام کرده که هزینه حفاری و اجرای کار را تقبل می‌کند تا مشکل زودتر حل و فصل شود. روستاییان هم سال‌ها حق اشتراک پرداخت کردند و امید به وصل تلفن خانه‌هایشان را داشتند، با وجود این، تنها یک پاسخ کوتاه و تکراری می‌شوند: «کابل نداریم»

اکنون روستای مدآباد و سه روستا دیگر بدون تلفن ثابت مانده‌اند، آن هم در منطقه‌ای که آنتن‌دهی تلفن همراه پایدار و قابل اتکا نیست و بخش قابل توجهی از جمعیت آن را سالمندانی تشکیل می‌دهند که تلفن ثابت تنها راه ارتباطی آنان و آشنایانشان بوده‌است. مسئله‌ا، تنها بخش حلقه کابل نیست، بلکه پلاکلیفی مدآبادی‌هاست که نه زمان‌بندی روشنی برای حل مشکل ارتباطی‌شان می‌شوند و نه پاسخ قانع‌کننده‌ای. بدتر اینکه نمی‌دانند مسئول این وضعیت پیش آمده دقیقاً چه کسی و کدام نهاد است؟!

■ **از سرقت کابل تا سرگردانی**

پیگیری وصل مجدد تلفن ثابت در روستای مدآباد، یک مسیر کوتاه و ساده‌ای نبود، زنجیرهای از نامه‌ها و امضاهایی بود که گاهی با پاسخ امیدوارکننده رو به رو شد و گاه هم نه. خانم جعفری، دهیار این روستا، در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید که این‌س پرورنده از نخستین روزهای مسئولیتش روی میزش بوده و آن را پیگیری کرده‌است. او بارها از دهیاری به بخشداری وا از آنجا به فرمانداری رفته و با پیوست‌ها و مکاتبات متعدد بازگشته است: «یک سال است دهیار هستم در این مدت بارها موضوع را‌اندازی خطوط تلفن ثابت را پیگیری کرده‌ام. مردم رفتند، شورا رفت، چندین بار مراجعه کردیم و حتی نماینده مجلس برای پیگیری این موضوع به روستا آمد. بعداز دیدن شرایط هم وعده دادند که کابل تأمین می‌شود، اما گفتند به شرط اینکه حفاری را خودتان انجام دهید. ما هم پذیرفتیم.»

او ادامه می‌دهد: «قرار شد چاله‌ها کنده شود و بخشی از هزینه‌ها را از منابع محدود دهیاری تأمین کنیم. به

راهیشان کرده‌اند، مداری کنند. بچه‌هایی که حتی در کنار سطل آشغال رها شده‌اند!

■ **بچه‌هایی که در شیرخوارگاه نمی‌مانند**

گر قبل‌تر به شیرخوارگاه سری زده باشید، به روشنی

در می‌یابید شیرخوارگاه خلوت‌تر شده اما بدین معنا

نیست که کودکان کمتری رها می‌شوند!

منیژه جابری، مدیر شیرخوارگاه حضرت آمنه(س) درباره دلایل این خلوت‌شدن شیرخوارگاه با تأکید بر اینکه در حال حاضر در کل مجموعه ۴۰ کودک داریم، می‌افزاید: «مددکار ما تا زمانی که لازم باشد، کارش را انجام می‌دهد تا پرونده در یکی از مسیره‌های «میزبان»، «فرزندخواندگی» یا «بازپیوند» با خانواده زیستی به سرانجام برسد. با طرحی که سازمان

جامعه

سرویس اجتماعی ۶۰۰۸۸۵۲۲

گزارش میدانی «جوان» از شیرخوارگاه حضرت آمنه (س)

این قلب‌های کوچک محتاج یک آغوش امن هستند

پشت این درهای نارنجی و سفید و پشت این دیوارها و فضای سبز و محوطه‌ای که تلاش شده تا زیبا و دل‌باز باشد قلب‌هایی کوچک با غمی بزرگ می‌تپد!



بهبیستی تحت عناوین «طرح میزبان» و «طرح

بازپیوند» اجرائی کرد، اما کودکان در شیرخوارگاه به شدت کاهش یافت. تا پارسال ما بین ۳۸۰ تا ۴۰۰ فرزند داشتیم، اما الان کمتر از ۴۰ کودک داریم. مابقی

با به سرهای خودشان بازگشته‌اند. یا به خانواده‌های متقاضی (موقت یا دائم) ملحق شده‌اند.»

آفتور که خانم جابری می‌گوید تعداد بچه‌های رها شده تغییری نکرده‌است. وی با بیان اینکه نه همین دیدبش شش بچه پذیرش کرده‌ام، می‌افزاید: «سالانه بالای ۲۰۰، ۳۰۰ بچه رها شده در مرکز شیرخوارگاه آمنه پذیرش می‌شوند، اما به واسطه کار مددکاری قوی این بچه‌ها در مرکز نمی‌مانند در قالب طرح‌هایی همچون میزبان، فرزندخواندگی یا میزبان

روزنامه جوان | شماره ۷۵۴۴ |

می‌گوید: «از زمانی که جریاناتی پس از جنگ ۱۲ روزه پیش آمد، به دلایل امنیتی و برای حفظ سلامت بچه‌ها، مجبور شدیم آنها را به شیرخوارگاه شیربر منتقل کنیم. پس از آن نیز، به دلیل اینکه احتمال می‌دادیم فرزندان در معرض خطر باشند، تصمیم سازمان بر این شد که نوزادان در شیرخوارگاه شیربر باقی بمانند.»

■ **نامگذاری نوزادان از سوی مددکاران**
مدیر شیرخوارگاه حضرت آمنه(س) درباره هویت شیرخوارگانی هم که به مراکز بهزیستی تحویل می‌شوند، می‌گوید: «هنگامی که نوزاد تازه‌ای پیدا می‌شود، ما برای نوزاد شناسنامه می‌گیریم. اسم را ما انتخاب می‌کنیم و نام پدر، مادر و فامیلی را اداره ثبت احوال ثبت می‌کند. هیچ بچه‌ای نباید بدون هویت بماند. اگر کودک به فرزندخواندگی رفت، آن شناسنامه باطل و شناسنامه جدیدی برایش صادر می‌شود.»

طبق توضیحات وی البته بیشتر این کودکان رها شده از اتباع هستند. جابری تأکید می‌کند: «ما هیچ‌گونه تفکیک قومیت یا ملیت نداریم. اگر خانواده این بچه‌ها پیدا شوند رد مرز می‌شوند و گرنه پیش ما می‌مانند. در مواردی هم این بچه‌ها از سوی خانواده‌ها به فرزندخواندگی پذیرفته می‌شوند.»

■ **از ۲ تا ۱۲ساله میهمانان شیرخوارگاه آمنه**
بچه‌ها تا ۱۲ سالگی می‌توانند در مرکز آمنه بمانند. البته در دو گروه تفکیک می‌شوند سه تا هفت سال و هفت تا ۱۲ سال. بچه‌های بالاتر ۱۳ سال به بالا تا ۱۶ در مرکز دیگری نگهداری می‌شوند.

آفتور که خانم جابری می‌گوید در حال حاضر مانند گذشته نیست که بچه‌ها ۱۸ سالگی رها شوند و بستگی به آمادگی آنها برای استقلال دارد. البته پسرها اغلب در همان ۱۸ سالگی خودشان ترجیح می‌دهند چند نفری جایی را بگیرند و مستقل شوند. باز دیدن از شیرخوارگاه به پایان می‌رسد. با بعضی عمیق در گلو لبخندی می‌زنم و از بچه‌ها خداحافظی می‌کنم. بچه‌هایی که هر گام حسرت حدود ۲۰درصد خانواده‌های هستند که دچار ناباروری‌اند. بچه‌هایی که بی‌تردید در پناه خالقی هستند که همه‌مادری فقط شیرخوار را به جای امنی منتقل کنند.

مدیر شیرخوارگاه حضرت آمنه(س) با اشاره به حمله اسرائیل به مجاورت شیرخوارگاه در جنگ ۱۲ روزه و باز پیوند به خانواده‌ها سپرده می‌شوند.» وی تأکید می‌کند: «مورد داشته‌ایم که خود مادر دختر ۱۳ ساله‌اش را سوار ماشین کرده و به اورژانس اجتماعی فرستاده‌است!»

■ **آسیب صهیونیست‌ها به شیرخوارگان مرکز آمنه (س)**

جنگ تحمیلی ۱۲ روزه صهیونیست‌ها به کشورمان حتی به شیرخوارگان این مرکز هم آسیب زد و حمله ناگهانی به اطراف ایمن مرکز و تخریب آن موجب شد مسئولان شیرخوارگاه تصمیم بگیرند بچه‌های شیرخوار را به جای امنی منتقل کنند.

مدیر شیرخوارگاه حضرت آمنه(س) با اشاره به حمله اسرائیل به مجاورت شیرخوارگاه در جنگ ۱۲ روزه «قیمت سیم کارت ۱۰ هزار تومان است، هزینه اینترنت آن از اینترنت همراه اول ارزان‌تر است و هزینه مکالمه هم مانند تلفن ثابت محاسبه می‌شود.» لک در پاسخ به این پرسش که برخی از اهالی معتقدند راه‌اندازی دوباره تلفن ثابت، مطالبه و حق آنهاست و چرا به این مطالبه رسیدگی نشده، بیان می‌کند: «این موضوع باید از طریق مرکز استان لرستان پیگیری شود.» باسستی که نشان می‌دهد تصمیم‌گیری درباره بازگشت خطوط ثابت، در سطح شهرستان انجام نمی‌شود.

او همچنین درباره دغدغه اهالی در خصوص ضعف آنتن‌دهی تلفن همراه در منطقه این‌گونه توضیح می‌دهد: «موضوع آنتن مربوط به سازمان ICT است. یا باید برایشان دکل نصب شود یا مشکل از آن مسیر حل شود. ما پیگیری کردیم و اعلام شد که با BTS موجود این مشکل قابل حل نیست. باید

یک دکل جدید نصب شود که این موضوع در حیطه سازمان تنظیم مقررات و فناوری اطلاعات است. یا باید برایشان دکل نصب شود یا مشکل از آنسای برطرف شود.»

بر این اساس، مخابرات شهرستان ازنا، سیم‌کارت روستاییان را به عنوان راهکار پیشنهادی مطرح می‌کند و در عین حال، رفع مشکل پوشش شبکه و تعیین تکلیف نهایی تلفن ثابت را نیازمند پیگیری در سطوح بالاتر می‌داند، موضوعی که همچنان چشم‌انتظار تصمیمی روشن برای آینده ارتباطی مدآباد و روستاهای اطراف است.

■ **پرسشی که بی‌پاسخ ماند**

اکنون آنچه در مدآباد می‌گذرد، تنها یک مشکل فنی یا نبود کابل نیست، بلکه پرسشی است دربارهٔ سهم روستاها از حداقل‌های ارتباطی. در روزگاری که از تکنوس خواسته ساکنان مدآباد، دریافت پاسخی شفاف همراه با زمان‌بندی مشخص است. آنها بیش از شنیدن وعده‌ها، چشم‌انتظار تصمیمی عملی و اقدامی مؤثرند. برای این روستا، یک خط ارتباطی صرفاً یک خدمت عمومی نیست، نشانه‌ای است از دیده‌شدن و به‌رسمیت‌شناخته‌شدن مطالباتشان، مطالبه‌ای که متأسفانه در دو سال گذشته همچنان بی‌پاسخ مانده‌است.

نگاره

لیلاسدی *



استقلال نهاد وکالت

مسئولیت حرفه‌ای یا ابزار فشار سیاسی؟!

هفتم اسفند؛ روزی که یادآور استقلال نهاد وکالت است. روزی که برخی کانون‌ها با درک حساسیت‌های ملی، آن را نه در قالب جشن، بلکه در قالب یادبود و مظاهرهای آرام و معنادار گرامی می‌دارند. اینان شایسته تقدیرند. نشان می‌دهند که می‌توان هم استقلال صغی را پاس داشت و هم امنیت ملی و آرامش مردم را محترم شمرد.

اما متأسفانه، برخی دیگر همان ایام، مراسم را تحریم کردند و استقلال وکالت را به ابزاری برای فشار سیاسی بدل کردند. اینجاست که پاشنه آشیل استاندارد دوگانه آشکار می‌شود: عدالت و رعایت حقوق شهروندی چرا همیشه یک‌بام و دو هوست؟ چرا وقتی پای نظام و امنیت ملی در میان است، برخی صدایشان بلند نمی‌شود؟ یا وقتی مردم، دانشمندان و حافظان امنیت هدف خسونت قرار می‌گیرند، سکوت اختیار می‌کنند؟

■ **نگاهی به واقعیت‌ها**

سیزدهم دی ۱۳۹۸، حاج قاسم عزیز ترور شد؛ میلیون‌ها ایرانی و آزادپخواه جهان عزادار شدند. آیا برخی کانون‌ها مراسم را تحریم کردند؟ خیر.

سال گذشته، در سالگرد همین شهید، بیش از صد نفر در حادثه تروریستی به شهادت رسیدند؛ آیا مراسم تعطیل شد؟ نه. شرکت‌کنندگان میلیونی در ۲۲ بهمن چه کردند؟ آیا عزاداری برخی، معنایی جز پایبندی به امنیت و آرامش عمومی داشت؟ در جنگ ۱۲ روزه اخیر، هزاران انسان بی‌گناه، دانشمند و فرمانده کشور قربانی خسونت صهیونیستی شدند؛ صدای همان کانون‌ها کجاست؟ چرا حکومتی صادر نشد؟

این پرسش‌ها یک واقعیت تلخ را نشان می‌دهند: برخی جریان‌ها، حتی در داخل نهاد وکالت، استاندارد دو گانه دارند. هیاهو علیه ۲۴ وکیل بازداشت‌شده، سکوت مطلق در برابر فجایع انسانی در غزه، ترورها و آزار کودکان در جزیره ابستین و بی‌توجهی به جان مردم و نیروهای امنیتی در اغتشاشات اخیر، نمونه‌های بارز این دوگانگی است.

■ **ابهام در بیانیه تحریم**

در بیانیه تحریم، سخن از «عزاداری» و «سوگواری» است، اما سوگوار چه کسی است؟

فتنه‌گران؟

کسانی که مسلمانه به میان مردم آمدند؟

یا مدافعان امنیت، بسیجیان و مردم بی‌نگاهی که جان خود را در راه حفظ امنیت ا دست دادند؟

چرا هیچ محکومیتی علیه قاتلان صادر نمی‌شود؟ چرا سکوت اختیار شدند و روزه شکوت گرفته‌اند؟ این همان ابهام هدفمند است که می‌خواهد واقعیت‌ها را وارونه کند و عدالت قانونی را به ابزار روایت سیاسی خارجی تبدیل نماید.

چرا برخی کانون‌ها به جای عدالت، عزاداری را کش می‌دهند؟

اساساً در فرهنگ ایرانی، عزاداری چقدر طول می‌کشد؟ مگر نه اینکه بعد از ۴۰ روز، صاحب عزادندگی‌اش را از سر می‌گیرد؟ پس چه اتفاقی افتاده که بیش از ۵۰ روز، برخی دوستان همچنان در فکر «سوگواری» و «تحریم» مانده‌اند؟ آیا قرار است یک روز بعد از فتنه ۸ اسفند، این عزاداری نمایشی پایان یابد؟ یا از همان روز فتنه، برخی کانون‌ها به جای عمل به عدالت، مشغول ژست سوگواری سیاسی و گزینشی‌اند؟

■ **مقایسه با مناسبت‌ها و امنیت ملی**

در شرایط حساس منطقه‌ای و تهدیدهای آشکار علیه امنیت ملی، نخبگان حقوقی باید ملاحظات کلان حقوق عمومی و نظم اجتماعی را در نظر بگیرند. حتی در پیشرفته‌ترین دموکراسی‌ها، امنیت ملی یکی از قیود مشروع بر آزادی‌هاست. نادیده گرفتن این اصل یا ارائه تصویری یک‌سویه از وقایع، انسجام حقوقی کشور را تضعیف می‌کند.

برخی کانون‌های و کلای حرفه‌ای، هفتم اسفند را با احترام به یادبود و استقلال نهاد وکالت تحریم نکردند. برخی دیگر، با تحریم و هیاهوی گزینشی، مسیر حرفه‌ای و عدالت را به سیاست آلوده کردند.

■ **پرسش پائینی**

هر چند به حکم قانون تشکیل جلسه رسیدگی در جرائم مهم منوط به حضور وکیل است، لیکن میان الزام به حضور وکیل در محکمه و دفاع از متهم تفاوت وجود دارد.

به قول پدربزرگ حقوق ایران، شادروان استاد ناصر کاتوزیان (رضوان خداوند عزیز بر او باد):

«وکیل باید قبل از اینکه دعوایی را بپذیرد، در محکمه وجدان خویش، موکل را محاکمه نماید، ببیند واقعاً حق با اوست یا نه. اگر قانع شد که حق با اوست، برای احقاق حق بچنگد.»

حال اگر یکی از متهمان اغتشاشات اخیر، مردم و نیروهای امنیتی را هدف قرار داده و جان دیگران را گرفته است، هر چند حق این را دارند که وکیل داشته باشند برای تقلیل مجازات، لکن واقعاً وکلای لیبرال از چه حقی و از چه چیزی دفاع می‌کنند؟ آیا دفاع آنها محدود به حرفه وکالت است، یا بهانه‌ای شده برای زیر سؤال بردن امنیت عمومی، حق دفاع مشروع مردم و نظام قانونی کشور؟ در مورد منتهی که متهم به خسونت علیه مردم و نیروهای امنیتی است –حتی در صورت اثبات جرم – دفاع وکیل الزاماً به معنای تأیید رفتار او نیست. دفاع می‌تواند ناظر به موارد زیر باشد: رعایت شرفیافت قانونی در بازداشت و تحقیق بررسی صحت ادله و انتساب جرم جلوگیری از مجازات فراتر از قانون

اعمال کیفیات مخفیه یا توجه به شرایط خاص متهم مع ذلک، این پرسش همچنان باقی است: آیا همان آندک وکلای برای احقاق حق خانواده قربانیان کشته‌شده توسط تروریست‌ها نیز به همان میزان حساسیت نشان می‌دهند و بیانیه صادر می‌کنند؟

یا با استانداردهای دو گانه و حساسیت گزینشی مواجه هستیم؟

استقلال نهاد وکالت، سرسرمایه ملی است؛ نه ابزار فشار سیاسی، نه تریبون روایت بیگانه، نه مجالی برای استاندارد دو گانه. پاسداشت آن، منزلم صدافت، شجاعت و پایبندی به قانون است، نه سکوت گزینشی و هیاهوی بی‌مبنا.

■ **وکیل پایه یک دادگستری**

خبر کوتاه

■ سازمان هواشناسی نسبت به بارش باران و رعد و برق در ۲۱ استان، نفوذ هوای سرد به ۲۶ استان ورزش باد شدید و گرد و خاک در ۲۵ استان هشدار داد.

■ دبیرخانه هیئت ممیزه مرکزی رتبه‌بندی اعلام کرد که پرونده درخواست بیش از ۱۰۰ هزار نفر از مشمولان رتبه‌بندی بررسی وارد مرحله صدور احکام کارگزینی شده و پرداخت‌ها با حقوق اسفندماه انجام می‌شود.